

## پاتوق معتادان؛ تهدیدی برای امنیت شهروندان

شنیده‌هایمان را دیدیم! اگر برای تهیه این گزارش به یکی از پاتوق‌های پایتخت نمی‌رفتیم و صرفاً به تماس‌های شما که از وجود آنها می‌گفتید، بسنده می‌کردیم، شاید حالا برای انتقاد، دستمان به اندازه کافی باز نبود اما ما رفتیم، اجتماع معتادان و موادفروش‌ها را با چشم‌های خودمان دیدیم تا مطمئن‌تر، دلیل بقای چنین مکان‌هایی را از مسوولان جویا شویم.



دره فرحزاد طی 4 سال، 40 بار از سوی نیروی انتظامی پاکسازی شده و دستگیرشدگان اغلب تکراری بوده‌اند پاتوق معتادان؛ تهدیدی برای امنیت شهروندان

شنیده‌هایمان را دیدیم! اگر برای تهیه این گزارش به یکی از پاتوق‌های پایتخت نمی‌رفتیم و صرفاً به تماس‌های شما که از وجود آنها می‌گفتید، بسنده می‌کردیم، شاید حالا برای انتقاد، دستمان به اندازه کافی باز نبود اما ما رفتیم، اجتماع معتادان و موادفروش‌ها را با چشم‌های خودمان دیدیم تا مطمئن‌تر، دلیل بقای چنین مکان‌هایی را از مسوولان جویا شویم. پاتوقی که ما برای بازدید انتخاب کرده‌ایم بخشی از دره وسیع فرحزاد در تهران است که به #171 «چهل‌پله» شهرت دارد؛ جایی که در آن، از وحشت دیدن موادفروش‌ها و معتادهای در حال مصرف مواد مخدر، زانوهایمان بی‌اختیار سست می‌شود و صدای ضربان قلبمان چنان بلند می‌شود که به وضوح می‌شنویمش.

### پله‌هایی تا جهنم

فرحزاد اگرچه جزو مناطق مرفه‌نشین شهر است، حساب خانه‌های حقیر و بی‌قواره دره‌اش، از برج‌های خوش‌تراش آن حوالی جداست؛ خانه‌هایی روی یال‌های دره، که همگی نمایی از جهنم را در قاب پنجره‌هایشان دارند.

پله‌ها را، روی یال شمالی دره فرحزاد که پایین می‌رویم، وارد محدوده #171 «چهل‌پله» شده‌ایم که رودخانه‌ای کم‌عمق از وسطش می‌گذرد و آنقدر جان ندارد که طغیان کند و ته‌سیگارها و سرنگ‌های سر راهش را بشوید و با خود ببرد.

معتاد نشئه‌ای که نشانی دره را به ما داده، پیش‌تر گفته خرده‌فروش‌ها، #171 «حیرانی» را با یک نگاه تشخیص می‌دهند؛ حیرانی در اصطلاح موادفروش‌ها یعنی خماری شدید و ما حیران نیستیم و به همین خاطر خرده‌فروش‌ها چشم‌غره می‌روند و گاه‌گذاری با هم پیچ می‌کنند و ما قدم تند می‌کنیم که یعنی در حال گذریم.

کف دره معتادها نشسته‌اند، جمعیتی حدود 30 نفر زن و مرد که هر کدام گوشه‌ای لم داده‌اند یا چمباتمه زده‌اند، با پوست‌های تیره و لباس‌های چرک‌مرده‌ای که بوی زباله دارند و مگس‌ها را همراه خودشان تا دره کشانده‌اند.

به یک نگاه می‌شود فهمید تعداد تزریقی‌ها از آنها که با پایپ شیشه می‌کشند، کمتر است. معتاد کم‌سن و سالی که دنبلمان راه می‌افتد دو سه بار هذیان‌وار می‌پرسد #171 «چی می‌کشی؟» و بعد با صدایی خش‌دار هشدار می‌دهد که #171 «بچه‌ها» اگر عصبانی شوند سرنگ پرت می‌کنند.

جلوتر که می‌رویم، #171 «ترازودارها» و #171 «چوبدارها» را روی دامنه می‌بینیم. ترازودارها مواد مخدر را وزن می‌کنند و میان معتادها پخش می‌کنند و چوبدارها محافظ‌هایشان شده‌اند!

زنی خماری، دست دخترچه‌ای 10 - 12 ساله را از مچ گرفته و با خود می‌کشد؛ شیشه‌ای است و این را از پوست چروک و خشک، لته‌های بی‌دندان و لاغری بی‌حدش می‌شود فهمید. وقت رفتن، از پله‌ها که بالا می‌رویم دخترک برمی‌گردد و نگاهمان می‌کند و بعد با بغض سرش را پایین می‌اندازد.

از دره که دور می‌شویم چند نفر از همسایگان دره فرحزاد، پی‌مان می‌آیند و می‌گویند خرده‌فروش‌های دره مسلح هستند، می‌گویند معتادها هم به اندازه موادفروش‌ها خطرناک‌اند، می‌گویند دره روزها در هر ساعت حدود 30 - 40 نفر معتاد گذری دارد اما شب‌ها تعدادشان حتی از 200 نفر هم بیشتر می‌شود، می‌گویند قاچاق و مصرف مواد مخدر در دره عیان است پس چرا با معتادها و موادفروش‌هایش برخورد نمی‌شود؟

ستاد: جمع‌آوری معتادان وظیفه پلیس است

دره فرحزاد فقط یکی از پاتوق‌های تهران است؛ در پایتخت و خیلی از کلانشهرهای کشور پاتوق‌های دیگری هم وجود دارد. سردار

حسین ساجدی‌نیا، رئیس پلیس تهران اعتقاد دارد جمع‌آوری معتادان وظیفه قانونی پلیس نیست، اما پلیس این مسوولیت را صرفاً برای جلب رضایت شهروندان پذیرفته است.

صدای ساجدی‌نیا به گوش بسیاری از مسوولان ستاد مبارزه با مواد مخدر، سازی مخالف است. طه طاهری، قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «بر اساس ماده 15 و 16 اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر، معتادانی که تجاهر به اعتیاد می‌کنند و در برابر درمان مقاومت می‌کنند، مجرم به حساب می‌آیند و از آنجا که ضابط قانون، پلیس است باید جمع‌آوری‌شان کند.» برخی مقامات پلیس اظهار می‌کنند در قانون صراحتاً کلمه «پلیس» برای برخورد با معتادان متجاهر ذکر نشده است و به همین دلیل پلیس در این زمینه وظیفه‌ای ندارد طاهری اما می‌پرسد: «مگر در قانون صراحتاً اشاره شده است که پلیس باید دزد را بگیرد؟! لازم نیست کلمه پلیس دائماً در متن قانون، تکرار شود.»

پلیس: کجا ببریمشان؟

حقیقت این است که برخلاف تصور بسیاری از مردم، بررسی‌های جامع درباره پیشینه پاتوق فرحزاد ثابت می‌کند این منطقه از 4 سال پیش تاکنون بیش از 40 بار توسط نیروی انتظامی پاکسازی شده است.

طی این مراحل، در مجموع حدود 1000 بار دستگیری فقط در این منطقه انجام شده و نکته این است که شمار زیادی از آنها تکراری بوده است، داستان دستگیری و آزادی و دستگیری مجدد معتادها و موادفروش‌ها، مختص فرحزاد نیست و در دیگر نقاط کشور هم وضع به همین منوال است.

رئیس پلیس تهران، مشکل اصلی پلیس را برای جمع‌آوری معتادان پرخطر بخصوص در تهران، کمبود مراکز اقامت اجباری درمان می‌داند: «شما می‌توانید این ادعا را از طرف پلیس مطرح کنید که قادریم برای جلب رضایت مردم همه معتادان را جمع‌آوری کنیم اما آنها را کجا ببریم؟»

قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر هم مساله کمبود کمپ‌های ترک اعتیاد را در کشور تایید می‌کند.

او اعتقاد دارد نباید مسوولیت کمپ درمانی فقط نگهداری از معتادان برای گذراندن دوره درمانشان باشد بلکه باید بازتوانی معتادان برای جلوگیری از عود مجدد اعتیادشان نیز در این مکان‌ها انجام شود و تسهیلات حمایتی همچون فراهم کردن امکان اشتغال در اختیار درمان‌شده‌ها قرار بگیرد. آن طور که طاهری می‌گوید هم‌اکنون کمپی با همین ویژگی‌ها و با ظرفیت پذیرش چندین هزار نفر، یکی از مناطق کرج در حال ساخت است که تا پایان مرداد امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

چه خبر از اردوگاه‌های ماده 42؟!

حتی اگر تکلیف معتادها با ساخت مراکز اقامت اجباری برای درمان اعتیاد در کلانشهرها روشن شود، تا وقتی عرضه وجود دارد، تقاضا هم هست.

پلیس در سال گذشته طی چند عملیات ضربتی در پاتوق‌های تهران، بیش از 1000 معتاد و خرده‌فروش مواد مخدر را دستگیر کرد اما هنوز بسیاری از مردم بخصوص آنها که در مجاورت پاتوق‌ها زندگی می‌کنند مدعی‌اند خرده‌فروش‌ها پس از دستگیری، در کمتر از یکی دو هفته به محل کارشان برمی‌گردند.

ساجدی‌نیا در توضیح دلیل محکومیت‌های کوتاه‌مدت خرده‌فروش‌ها توضیح می‌دهد که آنها معمولاً مواد مخدر ناچیزی با خود دارند و از آنجا که حکمشان در مراجع قضایی بر اساس میزان مواد مخدر همراهشان تعیین می‌شود طبیعتاً دوره محکومیتی کوتاه دارند قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر اما به این ادعا خرده می‌گیرد.

او باور دارد اگر عملیات پلیسی، حساب شده باشد و مستندات کافی علیه خرده‌فروش‌ها جمع‌آوری شود، محکومیت‌های آنها طولانی‌تر می‌شود.

طاهری، همه تقصیرها را گردن پلیس نمی‌اندازد، می‌گوید: «از دیگر دلایل محکومیت‌های کوتاه‌مدت خرده‌فروش‌ها، نبود ظرفیت پذیرش زندانی جدید در زندان‌های کشور است.»

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر هم‌اکنون نیمی از زندانیان کشور، جرمی در ارتباط با مواد مخدر دارند. در

ماده 49 اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر ذکر شده است که سازمان زندان‌ها وظیفه دارد اردوگاه‌های ویژه‌ای را برای نگهداری از قاچاقچیان راه‌اندازی کند اما با وجود این که براساس ادعای ستاد، در سال‌های گذشته مبالغی هنگفت برای راه‌اندازی این مراکز به سازمان زندان‌ها داده شد، اقدامی برای راه‌اندازی این اردوگاه‌ها از سوی سازمان زندان‌ها صورت نگرفت.

با این حال امسال و سال قبل، دولت بار دیگر بودجه‌ای 90 میلیارد تومانی به سازمان زندان‌ها داده است تا در 5 استان اردوگاه‌ها را راه‌اندازی کند که به گواه طاهری، هم‌اکنون ساختشان تقریباً تمام شده است.

اگر سازمان زندان‌ها پس از سال‌ها، اردوگاه‌های ویژه خرده‌فروش‌های مواد مخدر را راه‌اندازی کند، اگر ستاد مبارزه با مواد مخدر و بهزیستی و وزارت بهداشت دست به دست هم دهند تا مراکز اقامت اجباری درمان معتادان راه بیفتد، اگر پلیس در هر مرحله دستگیری خرده‌فروش‌ها، آنقدر مستندات از آنها به دست بیاورد که قضات را برای صدور حکم محکومیت‌های طولانی‌مدت قانع کند، اگر قضات احکام سنگین‌تری برای خرده‌فروش‌ها صادر کنند، اگر...

هر کدام از این اگرها گامی به سوی پاک کردن پاتوق‌ها از چهره کلانشهرها و تامین بیشتر امنیت شهروندان است و گرچه به ظاهر اهدافی بلندمدت و چندین ساله به نظر برسد، اگر عزم مسوولان برای خشنود کردن مردم، راسخ باشد، می‌شود این گام‌ها را در زمانی بسیار کوتاه، طی کرد؛ اگر و فقط اگر...